

تحلیل و ارزیابی طرح کمیسیون حقوق بین الملل ۲۰۰۸ در خصوص حقوق بین الملل حاکم بر سفره‌های آبی زیرزمینی مشترک میان دولت‌ها

مهدی حاتمی* - حسن بابایی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۶)

چکیده

امروزه سفره‌های آب زیرزمینی مهم‌ترین منبع تأمین آب شیرین برای انسان‌ها هستند. به همین دلیل قسمت اعظم استخراج منابع زیرزمینی توسط دولت‌ها بر این حوزه متمرکز است. مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دولت‌ها در خصوص سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی مربوط به رژیم حقوقی حاکم و نحوه بهره‌برداری، استخراج و مدیریت این ذخایز می‌گردد. برای پاسخ‌گویی به این مسائل کمیسیون حقوق بین الملل طرح پیش‌نویس حقوق سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی را در دستور کار خود قرار داد. این پیش‌نویس در سال ۲۰۰۸ به نتیجه رسید و به مجمع عمومی ملل متحد ارائه گردید. پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین الملل راجع به سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی علی‌رغم نواقصی که در آن وجود دارد حرکت تحسین‌برانگیزی از سوی کمیسیون حقوق بین الملل در جهت توسعه تدریجی و تدوین حوزه‌های نوین حقوق آب‌های زیرزمینی است. این پژوهش ضمن بررسی پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین الملل راجع به حقوق سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی به تحلیل نقاط ضعف و قوت این پیش‌نویس می‌پردازد.

واژگان کلیدی: رژیم حقوقی، حقوق سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی، حقوق آب‌های زیرزمینی، حاکمیت

۱. مقدمه

کمیسیون حقوق بین‌الملل ملل متحد در اواخر سال ۲۰۰۸ کار خود در زمینه حقوق سفره‌های آب فرامرزی را به پایان رساند و طرح (۱۹) ماده‌ای را تقدیم مجمع عمومی ملل متحد کرد. کمیسیون توصیه کرد که مجمع عمومی این پیش‌نویس مواد را مدنظر قرار دهد و در مرحله بعد، تنظیم یک کنوانسیون بر مبنای آن را در دستور کار خود قرار دهد. (ILC Report, 2008: 18). کمیسیون با کار بر روی موضوع آب‌های زیرزمینی فرامرزی اصولاً قصد دارد پیش‌نویس قبلی مواد خود در مورد حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی را تکمیل نماید (McCffrey, 2009: 272) کمیسیون حقوق بین‌الملل در تهیه پیش‌نویس از مساعدت‌های سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد^۱ و دیگر ارگان‌های علمی ملل متحد نیز استفاده نمود. در هر صورت، از نظر حقوقی، پیش‌نویس اعتبار کنوانسیون ملل متحد را ندارد و مفهوم بدیعی را در این زمینه وارد عرصه حقوقی نموده است. این پژوهش پس از بررسی سابقه پیش‌نویس سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی، مرور اجمالی بر مقررات آن می‌نماید و توضیحاتی در خصوص نگرش کلی پیش‌نویس و رابطه آن با کنوانسیون ملل متحد ارائه می‌دهد.

هنگامی که کمیسیون حقوق بین‌الملل متن نهایی پیش‌نویس مواد راجع به حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی را در ۱۹۹۴ ارائه نمود، قطعنامه مربوط به آب‌های زیرزمینی فرامرزی محصور^۲ را نیز به تصویب رساند. قطعنامه مذکور این موضوع را مورد شناسایی قرار داد که پیش‌نویس مواد راجع به آبراه‌های بین‌المللی، آب‌های زیرزمینی را که به یک آبراه بین‌المللی مربوط می‌شوند را هم پوشش می‌دهد. این تصدیق هم از نظر حقوقی و هم از نظر عملی حائز اهمیت است؛ زیرا تقریباً همه خصایص آب‌های سطحی با آب‌های زیرزمینی تأثیر متقابل دارند (McCffrey, 2009: 273). با این حال، قطعنامه آبراه را به گونه‌ای تعریف کرده که هم شامل آب‌های سطحی و هم از نظر هیدرولوژی شامل آب‌های زیرزمینی مربوطه نیز می‌گردد. پیش‌نویس مواد راجع به آبراه‌های بین‌المللی از نظر بین‌المللی آب‌های سطحی مشترک و آب‌های زیرزمینی مربوط را در بر گرفته است، با این حال، آب‌های زیرزمینی را که به شبکه آب‌های سطحی و زیرزمینی مرتبط نمی‌باشند را شامل نمی‌شود. به عبارت دیگر، پیش‌نویس مذکور به آب‌های زیرزمینی فرامرزی محصور در خشکی قابل تعمیم

1. (UNESCO)

2. Resolution on Confined Transboundary Ground water

نمی‌باشد (273: 2009, McCffrey). کمیسیون در اولین پاراگراف قطعنامه، توصیه کرد اصول مندرج در پیش‌نویس آبراه‌های بین‌المللی به منزله راهنمایی برای دولت‌ها برای تنظیم قواعد مربوط به منابع آب زیرزمینی هستند.

در سال ۲۰۰۲، کمیسیون حقوق بین‌الملل موضوع منابع طبیعی مشترک را در برنامه کاری خود قرار داد. این موضوع به این منظور انتخاب شد تا آب‌های زیرزمینی، نفت، گاز طبیعی و احتمالاً منابع دیگر از قبیل اکثریت پرندگان و حیوانات را شامل شود (ILC, 2002: Paras. 518-519). گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص این موضوع این امر را مورد ملاحظه قرار داد که شایسته است بررسی آب‌های زیرزمینی را در ادامه کار قبلی خود راجع به حقوق آب‌های سطحی آغاز نماید (ILC, 2006:193).

گزارشگر ویژه هم‌چنین اظهار داشت کار در مورد آب‌های زیرزمینی فرامرزی می‌تواند هرگونه کار آتی کمیسیون راجع به تدوین مقررات نفت و گاز طبیعی را متأثر نماید و علاوه بر این، کمیسیون تمایل دارد عناصر مربوط به مقررات موجود و رویه دولت‌ها در خصوص نفت و گاز طبیعی را قبل از نهایی کردن طرح خود راجع به آب‌های زیرزمینی فرامرزی مورد ملاحظه قرار دهد (ILC, 2006: 193). بنابراین، گزارشگر ویژه رابطه نزدیکی را بین رژیم حقوقی حاکم بر آب‌های زیرزمینی فرامرزی از یک سو و نفت و گاز طبیعی از سوی دیگر برقرار نمود. او هیچ‌گونه تمایزی میان آب‌های زیرزمینی که از نظر هیدرولوژیکی به آب‌های سطحی در ارتباطند و آب‌های زیرزمینی که چنین ویژگی ندارند، قائل نشد.

۲. بررسی اجمالی مواد پیش‌نویس

پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حقوق سفره‌های آب زیرزمینی شامل نوزده ماده است که به چهار بخش تقسیم شده: مقدمه، اصول کلی، حراست، حفاظت و مدیریت و مقررات متفرقه.

ماده (۱) قلمرو پیش‌نویس را این‌گونه بیان می‌کند: الف) بهره‌برداری از سفره‌های آب زیرزمین فرامرزی یا شبکه سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی؛ ب) فعالیت‌های دیگری که بر چنین سفره‌های آب زیرزمینی یا شبکه سفره‌های آب زیرزمینی تأثیر دارند یا احتمال دارد که تأثیر داشته باشند؛ پ) اقداماتی که برای حراست، حفاظت و مدیریت چنین سفره‌های آب زیرزمینی یا شبکه سفره‌های آب زیرزمینی انجام می‌شوند (ILC Report, 2008: 20). این

تعریف موسع، در پاراگراف‌های (ب) و (پ) فعالیت‌هایی به جز استفاده از آب‌های زیرزمینی، برای نمونه تخلیه زباله در سطح زمین در یک منطقه تغذیه سفره آب زیرزمینی که می‌تواند به صورت نامساعدی آب‌های زیرزمینی مشترک را متأثر نماید، را نیز دربرمی‌گیرد (Mccffrey, 2002: 275). البته باید رابطه علت و معلولی بین فعالیت‌ها و اثرات وجود داشته باشد (ILC, 2008:33).

ماده ۲ شامل تعاریف واژه‌های مورد استفاده در پیش‌نویس است. این واژه‌ها عبارت‌اند از: الف) سفره آب زیرزمینی؛ ب) شبکه سفره آب زیرزمینی؛ پ) سفره آب زیرزمینی فرامرزی یا شبکه سفره آب زیرزمینی فرامرزی؛ ت) دولت آبخوان؛ ث) بهره‌برداری از سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی یا شبکه‌های سفره آب زیرزمینی فرامرزی؛ ج) سفره آب زیرزمینی تغذیه کننده؛ ح) منطقه تغذیه؛ ح) منطقه تخلیه. اولین ماده از بخش ۲ پیش‌نویس ماده ۳ است. این ماده حاکمیت هر دولت آبخوان را بر بخشی از سفره‌های آب زیرزمینی یا شبکه سفره آب زیرزمینی که در سرزمین آن واقع شده، اعلام می‌کند (ILC, 2008: 21). واژه حاکمیت به حاکمیت بر سفره آب زیرزمینی که در سرزمین یک دولت، از جمله دریای سرزمینی آن دولت واقع شده، اشاره دارد و از اعمال حقوق حاکمه متمایز است (ILC, 2008: 20).

ماده ۴ به «اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول» اشاره می‌کند. ماده ۴ به‌وسیله ماده ۶ تعدیل شده است. به موجب ماده (۶) کلیه دولت‌های آبخوان متعهدند در بهره‌برداری‌های خود از هرگونه آسیب مهم به دولت‌های آبخوان دیگر یا دولت‌های دیگری که در سرزمین آنها منطقه تخلیه سفره آب زیرزمینی واقع شده، خودداری نمایند. ماده (۵) هدف مندرج در ماده (۶) را دنبال می‌کند؛ با این حال ماده مذکور دو شرط دیگر را در بندهای (d) و (i) این ماده اضافه نموده است. این شرایط عبارت‌اند از: الف) مشارکت در شکل‌گیری و تغذیه سفره آب زیرزمینی یا شبکه سفره آب زیرزمینی؛ ب) نقش سفره آب زیرزمینی یا شبکه سفره آب زیرزمینی در اکوسیستم مربوطه. براساس تفسیر کمیسیون، بند (d) به اندازه کمی سفره آب زیرزمینی در هر دولت آبخوان و اهمیت نسبی فرآیند تغذیه در هر دولتی که منطقه تغذیه در سرزمین آن واقع شده، می‌پردازد. بند (i) اهمیت سفره‌های آب زیرزمینی برای بقای اکوسیستم‌های مربوط به آنها را مورد شناسایی قرار می‌دهد. پاراگراف (۲) ماده ۵، در خصوص اعتبار اعطا شده به عوامل مختلف، ماده (۲) ۶ کنوانسیون ۱۹۹۷ UN راجع

به استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی (پس از این کنوانسیون UN) را همراه با اصلاحات متناسب تداعی می‌کند. با این حال، این بند مفهوم «نیازهای حیاتی انسان» که در ماده ۱۰ کنوانسیون به آن اشاره شده، را نیز اضافه می‌کند (ILC, 2008: 22).

اهمیت ذاتی این اصل به دلیل درج آن در هر دو مقررہ افزایش یافته تا حق انسان به آب را به رسمیت شناسد (McCaffrey, 2007: 369-371).

در خصوص ماده ۶ نکته حائز اهمیت آن است که آستانه «آسیب مهم» یک مفهوم انعطاف‌پذیر و نسبی است. در این خصوص می‌بایست اوضاع و احوال واقعی در کنار مسائل حقوقی و هم‌چنین بی‌ثباتی سفره‌های آب زیرزمینی مدنظر قرار گیرد (ILC, 2008: 47). پاراگراف ۲ ماده ۶، موضوع تکمیلی و در عین حال ضروری را مطرح می‌کند؛ زیرا این بند به فعالیت‌هایی غیر از بهره‌برداری از سفره آب زیرزمینی فرامرزی که بر روی سفره آب زیرزمینی تأثیر دارند یا احتمال دارد که تأثیر داشته باشند، می‌پردازد (ILC Report, 2008: 22).

این بند به جلوگیری از تفسیر مضیق تعهد پیشگیری از ورود آسیب مهم کمک می‌کند. نکته حائز اهمیت آن است که کمیسیون نه در ماده ۶ و نه در بند ۲ ماده ۷ پیش‌نویس به موضوع جبران خسارت اشاره نکرده و متذکر شده که این موضوع توسط قواعد دیگر حقوق بین‌الملل پوشش داده خواهد شد (ILC Report, 2008: 47).

ماده ۷ در خصوص تعهد کلی به همکاری، به‌طور کلی در راستای ماده ۸ کنوانسیون است، با این حال، در مقابل ماده ۸، عبارت کوتاهی را در خصوص ایجاد مکانیسم‌های مدیریت مشترک جایگزین می‌کند. مطابق با این بند دولت‌های آبخوان باید مکانیسم‌های مشترکی را برای همکاری ایجاد نمایند.

ماده ۸ در رابطه با مبادله منظم داده‌ها و اطلاعات، در واقع ماده ۹ را دنبال می‌کند. کمیسیون در این پاراگراف دولت‌های آبخوان را فرا می‌خواند تبادل داده‌ها و اطلاعات راجع به سفره‌های آب زیرزمینی را در موارد ضروری توسعه بخشند. تبادل داده‌ها و اطلاعات برای مدیریت صحیح سفره‌های آب زیرزمینی حائز اهمیت است زیرا به نسبت آب‌های سطحی اطلاعات کمتری راجع به سفره‌های آب زیرزمینی وجود دارد (McCaffrey, 2009: 277).

ماده ۹، راجع به توافق‌نامه‌ها و ترتیبات دوجانبه و منطقه‌ای، در وهله نخست به نظر می‌رسد مقررہ‌ای جدید باشد. در هر صورت بررسی دقیق این ماده روشن می‌نماید که آن ماده به‌طور کلی، با قدری اختلاف بازخوانی پاراگراف ۴ ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد است. عبارت

موسع ماده ۹، منجر به سردرگمی در خصوص رابطه این ماده، با مواد ۷ و ۱۴ پیش‌نویس می‌گردد (McCaffrey, 2009: 277).

بخش ۳ پیش‌نویس حاوی شش ماده است؛ اولین ماده (ماده ۱۰) در خصوص حراست و صیانت از اکوسیستم‌ها بر مبنای ماده ۲۰ کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد می‌باشد. در نخستین نگاه به نظر می‌رسد تعهد مندرج در ماده ۱۰ راجع به حمایت از اکوسیستم‌های مربوطه سفره آب زیرزمینی فرامرزی با عبارت «اتخاذ کلیه اقدامات مناسب» قدری محدود شده باشد (ILC Report, 2008: 24).

این واژه‌ها عموماً بیانگر تعهد به مراقبت لازم یا اتخاذ بهترین اقدامات تحت شرایط مربوطه است. مطابق با تفسیر کمیسیون تعهد دولت‌ها به اتخاذ کلیه اقدامات مناسب به حمایت از اکوسیستم‌های مربوطه محدود می‌شود. این تعهد به دولت‌ها اجازه می‌دهد در اجرای مسئولیت‌های خود به موجب این ماده آزادی عمل بیشتری داشته باشند. در توضیح این مطلب می‌توان گفت که ملاک عملی خاصی جهت اتخاذ اقدامات مناسب مطرح نشده و از سوی دیگر مرجعی جهت راستی‌آزمایی این اقدامات مشخص نگردیده است (ILC, Commentery on Art 10, 2008: 55).

ماده ۱۱، راجع به مناطق تغذیه و تخلیه مقرر جدیدی است. این مناطق مناطقی از سطح زمین هستند که از طریق آنها یک سفره آب زیرزمینی تغذیه می‌گردد یا آب از یک سفره آب زیرزمینی به سمت آبراه یا دریا جاری می‌شود؛ از این‌رو حمایت از این مناطق حائز اهمیت است تا از آلودگی سفره‌های آب زیرزمینی جلوگیری شود. ماده ۱۱، شناسایی چنین مناطقی و حراست از آنها در مقابل اثرات مضر را مقرر می‌کند. براساس ماده ۱۱، دولت‌های غیرآبخوان باید با دولت‌های آبخوان همکاری کنند تا سفره آب زیرزمینی و اکوسیستم‌های مربوطه مورد حمایت واقع شوند.

ماده ۱۲ در خصوص پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی مبتنی بر بند ۲ ماده ۲۱ کنوانسیون ملل متحد است. ضرورت پیشگیری از آلودگی آب‌های زیرزمینی از آب‌های سطحی بیشتر است، زیرا زمانی که یک سفره آب زیرزمینی آلوده می‌شود، معمولاً برگرداندن آب‌های آن به وضعیت قبلی زمان‌برتر و مشکل‌تر است (McCaffrey, 2008: 278).

برخلاف ماده ۲۱ کنوانسیون ماده ۱۲ هیچ‌گونه تعریفی از آلودگی ارائه نمی‌کند. هم‌چنین در دیگر مواد پیش‌نویس نیز هیچ‌گونه تعریفی از آن به عمل نیامده است. ماده ۱۲، دولت‌های

مشترک سفره آب زیرزمینی فرامرزی را متعهد می‌کند تا روش محتاطانه‌ای را به دلیل نامعین بودن ماهیت و حجم سفره آب زیرزمینی یا شبکه سفره آب زیرزمینی و آسیب‌پذیری آن به آلودگی اتخاذ کنند. ظاهراً به نظر می‌رسد این ماده به دلیل آسیب‌پذیری سفره‌های آب زیرزمینی مقررهای عینی، منطقی و حتی ضروری باشد؛ اما در واقع نگرش محتاطانه^۱ وضعیت‌هایی را که در آنها تردید علمی در مورد آسیب زیست‌محیطی وجود دارد را مورد توجه قرار می‌دهد.^۲ تفسیر کمیسیون اظهار می‌دارد نگرش محتاطانه به دلیل بی‌ثباتی و عدم قطعیت علمی سفره‌های آب زیرزمینی مقرر شده است (ILC, 2008: 59).

ماده ۱۳ به نظارت بر سفره‌های آب زیرزمینی می‌پردازد. این ماده مقرر می‌کند: «دولت‌های دارای سفره‌های آب زیرزمینی مشترک باید در صورت امکان به صورت مشترک بر آنها نظارت نمایند یا حداقل اطلاعات به دست آمده از طریق فرآیندهای نظارتی را مبادله نمایند» (ILC, 2008: 24).

ماده ۱۴ دولت‌های آبخوان را متعهد می‌نماید طرح‌هایی را برای مدیریت صحیح سفره آب زیرزمینی یا شبکه سفره آب زیرزمینی ایجاد و اجرا نمایند (ILC, 2008: 25). این ماده صریحاً بیان نمی‌کند که آیا این کار باید مشترکاً یا به صورت انفرادی انجام شود، اما جمله دوم این ماده دلالت می‌کند که مورد اخیر مدنظر است؛ دولت‌های آبخوان باید به درخواست هر یک از آنها، مذاکراتی را در رابطه با مدیریت سفره آب زیرزمینی انجام دهند (ILC, 2008: 25). از آنجایی که سفره آب زیرزمینی فرامرزی یک منبع مشترک است، اقدام به مدیریت آن به صورت یک‌جانبه می‌تواند بی‌فایده یا نامطلوب باشد؛ آثار آن می‌تواند به راحتی تبدیل به یک تراژدی برای عموم گردد (Hacdin, 1968: 30) عبارت پایانی این ماده مقرر می‌نماید: «مکانیسم مدیریت مشترکی، در هر جایی که ممکن است، باید ایجاد شود (ILC Report, 2008: 25).

ماده ۱۵ در رابطه با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده با بخش ۳ کنوانسیون ۱۹۹۷ موضوع مشابهی دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل توضیح نداده که چرا واژه «فعالیت‌ها»^۳ را به جای واژه موسع «اقدامات»^۴ مندرج در کنوانسیون به کار برده است. به دلیل حساسیت سفره‌های آب زیرزمینی

1. Precautionary Approach

۲. احتمالاً ضابطه کلی پذیرفته شده در خصوص نگرش محتاطانه اصل ۱۵ اعلامیه ریو راجع به محیط زیست و توسعه است که مقرر می‌دارد: «به منظور حمایت از محیط زیست، نگرش محتاطانه‌ای باید به صورت وسیعی توسط دولت‌ها بر مبنای قابلیت‌های آنها اعمال شود. در مواردی که تهدیدات دارای زیان جدی یا غیرقابل برگشت باشند، فقدان قطعیت علمی کامل نباید به عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن اقدامات مقرون به صرفه برای پیشگیری از خسارت زیست‌محیطی باشد».

3. Activities

4. Measures

چنین تمایز فاحشی از طرف کمیسیون در خصوص این موضوع مهم جای شگفتی دارد. تفسیر کمیسیون در خصوص این ماده تصریح می‌کند که روش حداقلی اتخاذ شده در این ماده به خاطر کمبود رویه دولت‌ها در رابطه با سفره‌های آب زیرزمینی می‌باشد (ILC, 2008:66).

از آنجایی که دولت‌ها به کمیسیون حقوق بین‌الملل به خاطر رهنمودهایش توجه می‌کنند و از آنجایی که وظیفه کمیسیون نه تنها شامل تدوین، بلکه دربرگیرنده توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل نیز می‌گردد، این تفسیر مخصوصاً با توجه به این که بیشتر آب‌های زیرزمینی جهان از نظر هیدرولوژیکی با آب‌های سطحی مرتبط می‌باشند، متقاعدکننده به نظر نمی‌رسد و بنابراین، رویه دولت‌ها در رابطه با آب‌های سطحی به صورت وسیعی به آب‌های زیرزمینی قابل اعمال است (McCaffrey, 2009: 280). این موضوع به گونه شایسته‌ای توسط اتحادیه حقوق بین‌الملل در قواعد سئول راجع به آب‌های زیرزمینی بین‌المللی مقرر گردیده است (ILA, 1986: 62).

بخش ۴ حاوی چهار ماده پایانی پیش‌نویس است. ماده ۱۶ همه دولت‌ها (نه صرفاً دولت‌های آبخوان) را متعهد می‌کند تا همکاری با کشورهای در حال توسعه را در رابطه با جنبه‌های فنی و حقوقی مدیریت و حراست از سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی ارتقاء بخشند. البته در این خصوص جنبه‌های فنی و حقوقی را مشخص ننموده است؛ بنابراین همانند ماده ۱۵، این ماده هرگونه توافق بین‌المللی مبتنی بر این پیش‌نویس مواد را نه تنها شامل دولت‌های مشترک سفره‌های آب زیرزمینی بلکه شامل دیگر دولت‌ها یا حداقل دولت‌هایی که قادرند انواع همکاری پیش‌بینی شده در این ماده را ارتقاء بخشند، در نظر می‌گیرد (McCaffrey, 2009: 280).

ماده ۱۷ در خصوص وضعیت‌های اضطراری، در واقع ماده ۲۸ کنوانسیون را دنبال می‌کند و مقرر می‌نماید: «دولتی که وضعیت اضطراری از سرزمین آن نشأت گرفته، باید دولت‌هایی که به صورت بالقوه تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار را مطلع سازد و کلیه اقدامات عملی برای پیشگیری، تقلیل و از میان بردن هرگونه اثر مضر این وضعیت اضطراری به کار بندد» (ILC Report, 2008: 26).

علی‌رغم مواد ۴ و ۶ این ماده در اقدامی مبتکرانه مقرر می‌نماید یک دولت می‌تواند اقدامات لازم برای مرتفع ساختن تهدید به نیازهای حیاتی انسان که از وضعیت اضطراری ناشی شده‌اند، را به کار گیرد. در این مورد کمیسیون آشکارا حوادثی از قبیل فاجعه سونامی در طول اقیانوس هند را مدنظر داشته است.

در هر صورت جای شگفتی دارد که کمیسیون اظهار می‌دارد این وضعیت‌های اضطراری در خصوص سفره‌های آب زیرزمینی همانند آبراه‌ها نمی‌توانند متعدد و ویرانگر باشند. فاجعه

متأثرکننده سفره آب زیرزمین به نظر می‌رسد بسیار ویرانگرتر از فاجعه‌ای باشد که اساساً به آب‌های سطحی زیان وارد می‌کند، زیرا سفره آب زیرزمینی در مقایسه با آب‌های سطحی مدت بسیار قابل ملاحظه تری طول می‌کشد تا خود را تصفیه نماید (McCaffrey, 2009: 281).

ماده ۱۸ راجع به حمایت از سفره آب زیرزمینی در زمان مخاصمات مسلحانه، معادل ماده ۲۹ کنوانسیون است. متن دو ماده مشابه است، فقط «آبراه‌های بین‌المللی» با «سفره‌های آب زیرزمینی یا شبکه‌های سفره آب زیرزمینی» جایگزین شده است. هر دو اظهار می‌دارند منابع آب شیرین مربوطه مطابق با حقوق بین‌الملل در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی از حمایت برخوردارند و نباید برخلاف آن اصول و قواعد مورد استفاده واقع شوند (ILC Report, 2008: 27).

ماده پایانی پیش‌نویس، ماده ۱۹، در خصوص داده‌ها و اطلاعات حیاتی برای دفاع یا امنیت ملی، مبتنی بر ماده ۳۱ کنوانسیون است. از نظر ماهوی این دو ماده با یکدیگر مشابهند. در هر صورت در مورد ماده ۱۹ عبارت «دولت ساحلی» مندرج در کنوانسیون با عبارت «دولت» برای آنکه آن ماده به دولت‌های دیگر همانند دولت‌های آبخوان قابل اعمال باشد، جایگزین شده است. ماده ۱۹ مقرر می‌نماید دولت‌ها ملزم نیستند داده‌ها و اطلاعات حیاتی راجع به دفاع یا امنیت ملی خود را فراهم آورند اما آنها باید تا جایی که ممکن است بیشترین اطلاعات را در آن شرایط فراهم آورند.

۳. ارزیابی

به‌طور کلی، پیش‌نویس حقوق سفره‌های آب زیرزمینی در صدد آن است که اصول کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد را با اصلاحات جزئی در خصوص آب‌های زیرزمینی اعمال نماید. در واقع، همانگونه که پیش‌تر ملاحظه شد، بیشتر مواد اساسی در پیش‌نویس سفره‌های آب زیرزمینی بر مواد کنوانسیون ملل متحد راجع به آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ مبتنی می‌باشند. این موضوع توصیه کمیسیون حقوق بین‌الملل در قطعنامه ۱۹۹۴ راجع به آب‌های زیرزمینی فرامرزی محصور در خشکی مبنی بر اینکه دولت‌ها در تنظیم مقررات آب‌های زیرزمینی فرامرزی باید تا جایی که ممکن است بر اساس اصول پیش‌نویس مواد راجع به استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی عمل نمایند را معتبر می‌سازد (ILC, 1994: 135).

با این حال این موضوع دو سؤال کلی را مطرح می‌کند: اولاً آیا پیش‌نویس سفره‌های آب زیرزمینی موضوع جدیدی را اضافه کرده است؛ ثانیاً آیا پیش‌نویس مذکور مشارکت عینی در

توسعه حقوق منابع آب شیرین مشترک داشته است. در خصوص سؤال نخست مطمئناً پاسخ باید مثبت باشد، حتی اگر در مفهوم محدودی باشد. گزارشگر ویژه می‌تواند توصیه‌های ارائه شده به کمیسیون توسط کارشناسان آب‌های زیرزمینی یونسکو، سازمان خواربار و کشاورزی، کمیسیون اقتصادی اروپا و اتحادیه بین‌المللی هیدروژئولژیست‌ها را در این رابطه ارائه نماید (ILC Report, 2008:18). این توصیه‌ها به انتقال دانش سفره‌های آب زیرزمینی، آب‌های زیرزمینی و هیدرولوژی به پیش‌نویس مواد منجر شده‌اند و به این مواد یک مبنای با اهمیت علمی اعطا کرده‌اند.

این موفقیت نباید نادیده گرفته شود زیرا آب‌های زیرزمینی، درعین حال که بسیار فراوان‌تر از آب‌های سطحی هستند،^۱ بسیار کمتر توسط دولت‌ها و تابعان آنها درک شده‌اند. وارد کردن زبان هیدرولوژی به ادبیات حقوق آبراه‌های بین‌المللی مطمئناً امر مطلوبی می‌باشد و این قابلیت را دارد تا توافقات و ترتیبات آینده میان دولت‌ها در خصوص آب‌های زیرزمینی مشترک را تحت تأثیر قرار دهد (McCaffrey, 2009: 282).

پرسش دوم به روشنی قابل پاسخگویی نیست، احتمالاً به خاطر اینکه کمیسیون به قدری شیفته دانش سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی شده است که وظیفه اصلی خود در خصوص تدوین و توسعه تدریجی حقوق آب‌های زیرزمینی فرامرزی را به حیطة فراموشی سپرده است. در حوزه کاری کمیسیون حقوق بین‌الملل، تمایز میان واژه «سفره‌های آب زیرزمینی» و «آب‌های زیرزمینی» حائز اهمیت است. سفره آب زیرزمینی ساختار زمین‌شناختی است که آب را در خود نگه می‌دارد. این ساختار، خودش حرکت نمی‌کند و ثابت است، اما آب (آب زیرزمینی) داخل سفره حرکت می‌کند. این آب به مجموعه‌ای از نیروها، از نیروی جاذبه تا استخراج توسط دولتی که سفره آب زیرزمینی در سرزمین آن واقع شده یا دولت همسایه، واکنش نشان می‌دهد. به‌طور خلاصه این آب ثابت نیست. گزارشگر ویژه در وهله نخست تمایل خود را نسبت به «آب‌های زیرزمینی محصور در خشکی» قبل از اینکه به سراغ منابع طبیعی مشترک دیگر برود، ابراز می‌دارد (ILC Report, 2008:13).

۱. مطابق برنامه محیط زیست ملل متحد، از کل آب شیرین روی زمین تنها ۳/۰ درصد در دریاچه‌ها و رودخانه‌ها وجود دارد، در حالی که ۳۰/۸ درصد ناشی از آب‌های زیرزمینی است. ۶۸/۹ درصد باقیمانده از یخچال‌های طبیعی و پوشش‌های برف دائمی حاصل می‌شود.

See: Vital water Graphics(2002), available at <<http://www.unep.org/dewa/assessments/water/vitalwater/01.htm>>.

تصمیم به پرداختن به این موضوع (حقوق سفره‌های آب زیرزمینی) توسط کمیسیون، فارغ از حقوق آب‌های زیرزمینی فرامرزی، می‌تواند به دلیل رهنمودهای ارائه شده توسط نهادهای علمی ملل متحد متأثر شده باشد.

در هر صورت این تصمیم آثار عمده‌ای بر روی تمام مواد پیش‌نویس داشته است. این پیامدها عمدتاً در دو دسته قرار می‌گیرند: قلمرو فیزیکی و حقوقی پیش‌نویس و رابطه آن با کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد؛ و هم‌چنین تصمیم‌گیری در خصوص تعیین حاکمیت دولت‌های آبخوان بعنوان اصل راهنمای پیش‌نویس (McCauffrey, 2009: 282). این مسائل ذیلاً مورد ملاحظه واقع خواهند شد.

۴. قلمرو پیش‌نویس و رابطه آن با کنوانسیون ملل متحد

تصمیم کمیسیون حقوق بین‌الملل برای پرداختن به موضوع سفره‌های آب زیرزمینی در کنار آب‌های زیرزمینی، اثرات گسترده‌ای بر روی قلمرو فیزیکی و در نتیجه رابطه آن با کنوانسیون ملل متحد دارد. کمیسیون سفره آب زیرزمین را این‌چنین تعریف می‌کند: ساختار زمین شناختی نگهدارنده آب که بوسیله لایه‌ای که آب از آن کمتر عبور می‌کند در بر گرفته شده و آب در منطقه اشباع شده این ساختار قرار دارد. با تمرکز اصلی بر روی ساختار زمین شناختی و تنها با اشاره فرعی به آب قرار گرفته در آن، پیش‌نویس این موضوع را در ابهام قرار می‌دهد که آیا ساختار زمین شناختی موضوع مقررات حقوقی است یا آبی که در آن قرار گرفته (McCauffrey, 2009: 283).

متأسفانه مواد پیش‌نویس روشن می‌سازند که نگرانی عمده آن در رابطه با ساختار زمین شناختی (صخره) است نه آب. این تأکید هم‌چنین به صورت صریح‌تری در اولین اصل کلی اعلام شده در پیش‌نویس، حاکمیت دولت‌های آبخوان، که به نظر می‌رسد ترجیح‌بند پیش‌نویس می‌باشد به چشم می‌خورد. جدای از تمرکز بر ساختار زمین شناختی، پیش‌نویس مواد به صورت مطلوبی از راهکار قواعد ۱۹۸۶ سئول اتحادیه حقوق بین‌الملل راجع به آب‌های زیرزمینی پیروی نموده است (ILA, 1986: Art.1).

اما حتی این تعریف از قلمرو فیزیکی پیش‌نویس می‌تواند بسیار موسع باشد و امکان دارد که با کنوانسیون تداخل پیدا کند. همانگونه که اشاره گردید کنوانسیون همه آب‌های زیرزمینی را که از نظر هیدرولوژیکی با آب‌های سطحی در ارتباط هستند در برمی‌گیرد، تنها گونه از

آب‌های زیرزمینی که توسط کنوانسیون ۱۹۹۷ پوشش داده نشده مواردی هستند که با آب‌های سطحی در ارتباط نیستند به عبارت دیگر آب قرار گرفته در «سفره‌های آب زیرزمینی محصور» توسط کنوانسیون پوشش داده نمی‌شوند (ILC, 2008: para.1).

آنگونه که از پیش‌نویس مواد راجع به آبراه‌های بین‌المللی و قطعنامه پیوست آن راجع به آب‌های زیرزمینی فرامرزی محصور ۱۹۹۴ استنباط می‌شود، سفره‌های آب زیرزمینی محصور تغذیه عمده‌ای از آب‌های سطحی یا غیر آن دریافت نمی‌کنند و آب را به سطح یا سفره‌های آب زیرزمینی دیگر تخلیه نمی‌کنند. در برخی از مناطق جهان همانند خاورمیانه و شمال آفریقا، این شکل از آب‌های زیرزمینی را بعنوان آب سنگواره‌ای^۱ مورد اشاره قرار می‌دهند (McCaffrey, 2009: 283).

آنچه کمیسیون در ۱۹۹۴ تصور می‌کرد آن بود که برای تدوین قواعد مربوط به منابع آب زیرزمینی فرامرزی می‌بایست کار اضافی انجام شود، بنابراین این شکل از آب‌های زیرزمینی نه تنها به وسیله پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به آبراه‌های بین‌المللی (یا متعاقباً توسط کنوانسیون ۱۹۹۷) پوشش داده نشدند بلکه در کارهای مقدماتی کمیسیون راجع به موضوع آبراه‌های بین‌المللی نیز مورد ملاحظه قرار نگرفتند. در عین حال قلمرو پیش‌نویس سفره‌های آب زیرزمینی به آب‌های زیرزمینی یا سفره‌های آب زیرزمینی محصور محدود نمی‌شود. این پیش‌نویس قصد دارد آب قرار گرفته در سفره‌های آب زیرزمینی یا شبکه‌های سفره آب زیرزمینی، از جمله آنهایی که از آب‌های سطحی تغذیه می‌شوند و به آن آب‌ها تخلیه می‌گردند، را نیز دربرگیرد. این اشکال سفره‌های آب زیرزمینی دقیقاً در زمره مواردی هستند که توسط کنوانسیون ۱۹۹۷ پوشش داده نشده‌اند. بنابراین هر دو سند در رابطه با همه اشکال آب‌های زیرزمینی هم پوشانی دارند، مگر در خصوص آب‌های زیرزمینی محصور، نکته‌ای که توسط برخی اعضای کمیسیون به آن اشاره گردید (ILC Report, 2008: 17).

این هم‌پوشانی به سه دلیل مشکل‌ساز است: اولاً احتمال دارد در خصوص اینکه کدام سند باید در خصوص وضعیت خاصی که هر دو سند پوشش می‌دهند اعمال گردد دچار سردرگمی شویم. ثانیاً قواعد قابل اعمال به وضعیت‌هایی که هر دو سند پوشش می‌دهند دقیقاً منطبق با هم نیستند. ثالثاً و از همه مهمتر استفاده پیش‌نویس سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی از قاعده «حاکمیت» بر سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی بعنوان اصل راهنما به‌طور کامل با کنوانسیون ۱۹۹۷، همانگونه که در ذیل توضیح داده خواهد شد، مغایرت دارد.

1. Fossil Water

مشکلات ناشی از هم‌پوشانی می‌تواند در صورتی که کمیسیون تصمیم بگیرد شکل نهایی پیش‌نویس سفره‌های آب زیرزمینی بعنوان راهنمایی برای رویه دولت‌ها باشد و دولت‌ها را در تنظیم روابطشان در خصوص منابع آب زیرزمینی مساعدت کند، بهبود یابد. سابقه یک چنین نگرشی می‌تواند در نتیجه پیشنهاد کمیسیون در خصوص پیش‌نویس مواد راجع به حق شرط بر معاهدات یافت شود (LC Report, 2008: 136) و مجمع عمومی هنوز می‌تواند تصمیم بگیرد که سفره‌های آب زیرزمینی به این صورت مورد استفاده واقع شوند. با این حال کمیسیون هرگز این مجموعه مواد را به مجمع عمومی برای منطبق کردن پیش‌نویس سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی با کنوانسیون پیشنهاد نکرد. در مقابل کمیسیون حقوق بین‌الملل روش موسوم به «روش دو مرحله‌ای»^۱ را به صورت ذیل به مجمع عمومی توصیه کرد:

(۱) مدنظر قرار دادن پیش‌نویس مواد راجع به حقوق سفره‌های آب زیرزمینی در قالب یک قطعنامه و پیوست نمودن این مواد به آن قطعنامه؛

(۲) توصیه دولت‌های مربوطه به انعقاد تفاهم‌نامه‌های دوجانبه یا منطقه‌ای متناسب برای مدیریت صحیح سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی خود بر مبنای اصول مندرج در این مواد؛

(۳) در مرحله آخر به دلیل اهمیت موضوع انعقاد یک کنوانسیون بر مبنای مواد پیش‌نویس را در دستور کار قرار دهیم (LC Report, 2008: 15).

نکته حائز اهمیت آن است که کمیته تدوین کمیسیون حقوق بین‌الملل تصمیم نگرفت تا ماده ۲۰، راجع به کنوانسیون و موافقتنامه‌های بین‌المللی دیگر، که توسط گزارشگر ویژه پیشنهاد شده بود را به مجموعه مواد اضافه کند. آن ماده تصریح می‌نمود:

۱- «پیش‌نویس مواد حاضر نباید حقوق و تعهدات دولت‌های عضو را که ناشی از کنوانسیون‌ها و موافقتنامه‌های بین‌المللی دیگر منطبق با پیش‌نویس مواد حاضر است، و اعمال آن حقوق و تعهدات در بهره‌مندی دولت‌های عضو دیگر از حقوق یا اجرای تعهداتشان به موجب این پیش‌نویس مواد لطمه‌ای وارد نمی‌کند، را تغییر دهد».

۲- علی‌رغم مقررات پاراگراف اول، زمانی که دولت‌های عضو پیش‌نویس مواد حاضر عضو کنوانسیون راجع به حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی (۱۹۹۷) نیز هستند، مقررات کنوانسیون اخیر راجع به سفره‌های آب زیرزمینی یا شبکه‌های سفره آب زیرزمینی فرامرزی تنها تا میزانی قابل اعمال است که با مقررات پیش‌نویس مواد حاضر مغایرتی نداشته باشد (LC Report, 2008: 15).

1. Two-step Approach

از نظر گزارشگر ویژه براساس این ماده، پیش‌نویس سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی بر هر سند معارض دیگری، از جمله کنوانسیون، حاکم خواهد بود. این پیشنهاد در تعارض آشکار با ماده مربوطه کنوانسیون قرار می‌گرفت که مقرر می‌داشت: «در غیاب یک موافقتنامه مغایر، هیچ چیزی در کنوانسیون حاضر نباید به حقوق یا تعهدات یک دولت ساحلی که بر آمده از موافقتنامه‌های لازم‌الاجرا برای آن دولت در زمان عضویت در کنوانسیون حاضر است لطمه‌ای وارد کند»^۱.

نکته نهایی در رابطه با قلمرو فیزیکی پیش‌نویس این است که اگر پیش‌نویس با کنوانسیون ملل متحد همپوشانی داشته باشد به نظر می‌رسد در یک مورد محدودسازی آن غیر ضروری و نامناسب باشد. سفره آب زیرزمینی می‌تواند به صورت کاملی در قلمرو یک دولت قرار داشته باشد، اما آب را به سطح رودخانه‌ای که از آن دولت به دولت دیگری جریان دارد بفرستد. یک چنین سفره آب زیرزمینی بوسیله عبارات «سفره آب زیرزمینی فرامرزی» و «شبکه سفره آب زیرزمینی فرامرزی»، آنگونه که در متن پیش‌نویس مقرر شده، پوشش داده نمی‌شود. این سفره آب زیرزمینی حداکثر می‌تواند بوسیله ماده ۱۰ پیش‌نویس راجع به «مناطق تغذیه و تخلیه» دربر گرفته شود، اما اصول کلی مندرج در پیش‌نویس به روشنی بر آن مناطق قابل اعمال نیستند، زیرا این مواد بر سفره‌های آب زیرزمینی یا شبکه‌های سفره آب زیرزمینی فرامرزی حاکم هستند. از آنجایی که اصول مندرج در پیش‌نویس از نظر منطقی باید به آب‌های سفره‌های آب زیرزمینی یا شبکه‌های سفره آب زیرزمینی که در دولت واحدی واقع شده‌اند اما به آب‌های سطحی یک آبراه بین‌المللی جریان می‌یابند، اعمال شوند، چنین سفره‌های آب زیرزمینی باید مشمول مقررات پیش‌نویس باشند. این سفره‌های آب زیرزمینی توسط کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد پوشش داده شده‌اند، اما از آنجایی که اشکال دیگر آب‌های زیرزمینی پوشش داده شده توسط کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد بوسیله پیش‌نویس نیز در بر گرفته شده‌اند، بنابراین به نظر نمی‌رسد اجتناب از همپوشانی با کنوانسیون دلیل بر این شود که پیش‌نویس این شکل خاص از سفره‌های آب زیرزمینی را مستثنی نماید (McCaffrey, 2009: 285).

۵. حاکمیت دولت‌های آبخوان

دومین طبقه از آثار تصمیم در خصوص بررسی سفره‌های آب زیرزمینی جدای از منابع آب زیرزمینی به تأثیر تمرکز پیش‌نویس بر روی مفهوم «حاکمیت دولت‌های آبخوان» مربوط می‌شود (Vick, 2008: 3).

1. Art.3(1) Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses

ماده ۳ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به سفره‌های آب زیرزمینی مقرر می‌نماید: «هر دولت آبخوان بر قسمتی از سفره آب زیرزمینی یا شبکه سفره آب زیرزمینی که در سرزمین آن واقع شده حاکمیت دارد. آن دولت باید حاکمیت خود را مطابق با حقوق بین‌الملل و مواد پیش‌نویس حاضر اعمال نماید» (ILC Report, 2008: 21).

تفسیر کمیسیون در خصوص ماده ۳ به تعدادی از معاهدات و اسناد غیر الزام آور که ظاهراً این ماده را مورد حمایت قرار می‌دهند، استناد می‌کند. (ILC Report, 2008: 39).

تنها دو سند به آب‌های شیرین مربوط می‌شوند و هیچکدام از آن اسناد به‌طور خاص به سفره‌های آب زیرزمینی یا آب‌های زیرزمینی نمی‌پردازند، علاوه بر این هیچکدام از آن اسناد به موضوع حاکمیت بر منابع آب شیرین مشترک از هر نوع مربوط نمی‌شوند^۱ (McCaffrey, 2009: 286).

تنها طریقه‌ای که هر دو موافقتنامه مربوط به آب‌های شیرین به حاکمیت می‌پردازند نقل ضابطه کلی اصل (۲) اعلامیه ریو راجع به محیط زیست و توسعه است که تصریح می‌کند: «دولت‌ها از حق حاکمه بهره‌برداری از منابع خود مطابق با منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل برخوردارند». این سند در سیاق خود مسئولیت دولت‌ها در خصوص اینکه فعالیت‌های داخل صلاحیت یا کنترل‌شان به محیط زیست دولت‌های دیگر لطمه وارد نکند را مورد تأکید قرار می‌دهد.

متأسفانه ماده ۳ دومین گام تکمیلی و مهم اصل (۲) راجع به مسئولیت دولت‌ها به تضمین اینکه فعالیت‌های داخل صلاحیت‌شان که آب‌های زیرزمینی فرامرزی را متأثر می‌نماید به دولت‌های دیگر لطمه وارد نکند را اتخاذ ننموده است. این امر می‌تواند دلیل بر این باشد که برخی دولت‌ها پیشنهاد کردند به جمله دوم ماده (۳) اتخاذ شده در قرائت نخست عبارت «حقوق بین‌الملل» اضافه گردد. پیش از این اصلاح، متن آن ماده تنها مقرر می‌داشت «حاکمیت دولت بر ... سفره آب زیرزمینی فرامرزی، مطابق با مواد پیش‌نویس حاضر اعمال گردد».

۱. این اسناد به طیف وسیعی از موضوعات مربوط می‌شوند از لایه ازن و تنوع زیستی تا جانشینی دولت‌ها و حقوق دریاها. تنها دو سند واقعاً به آب‌های شیرین می‌پردازند. یکی از آن دو سند، کنوانسیون ۲۰۰۳ راجع به توسعه پایدار دریاچه تانگانیکا، اصل (۲) اعلامیه ریو راجع به محیط زیست و توسعه را در مقدمه خود نقل می‌کند. تعداد زیادی از اسناد دیگر نیز به اصل (۲) اشاره کرده‌اند. اصل (۲) اعلامیه ریو مقرر می‌نماید: «دولت‌ها از حق حاکمه بهره‌برداری از منابع خود برخوردارند». اصل (۲) مقرر نمی‌دارد که دولت‌ها بر آن منابع حاکمیت دارند و علاوه بر این هیچگونه اشاره‌ای به منابع طبیعی مشترک نمی‌کند. سند دیگری که به موضوع آب‌های شیرین مربوط می‌شود پروتکل ۱۹۹۹ راجع به آب و بهداشت به کنوانسیون ۱۹۹۲ ECE در خصوص حراست و استفاده از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی می‌باشد که اصل (۲) اعلامیه ریو را در ماده (C) ۵ خود نقل می‌کند. هیچکدام از این اسناد به آب‌های زیرزمینی فرامرزی اختصاص ندارند.

اگر موضوع مدون شده بخش ثابتی از سرزمین دولت‌ها باشد، طبیعی است که حاکمیت دولت‌ها بر آن متقاعدکننده به نظر می‌رسد. اما اگر موضوع اصلی مفهومی است که از دولتی به دولت دیگر حرکت می‌کند، حاکمیت دولت‌ها بر آن با واقعیت چندان انطباق ندارد. با ملاحظه طرز بیان ماده ۳ و تفسیر راجع به آن، به نظر می‌رسد کمیسیون موضوع نخست را مدنظر داشته است: در هر دو کمیسیون به بخشی از سفره آب زیرزمینی که در سرزمین یک دولت قرار گرفته اشاره می‌نماید (McCaffrey, 2009: 286).

مطابق با تفسیر کمیسیون، اساساً هر دولت آبخوانی بر سفره آب زیرزمینی یا شبکه سفره آب زیرزمینی فرامرزی تا میزانی که در سرزمین آن واقع شده حاکمیت دارد (ILC, 2008: 3). ماده‌ای که از یک دولت به دولت دیگر حرکت می‌کند و ماهیت سیالی دارد اساساً چیزی نیست که با مفاهیم طبیعی آنچه در حاکمیت یک دولت قرار می‌گیرد انطباق داشته باشد (McCaffrey, 2009:p.287).

دادگاه Oliver Wendell Holmes در قضیه‌ای راجع به صلاحیت انحصاری بر پرندگان این موضع را اتخاذ نمود. در این قضیه دادگاه اظهار نمود: «در این قضیه منفعت ملی دارای اهمیت زیادی می‌باشد. این منفعت تنها از طریق اقدام ملی در مطابقت با آنچه دولت دیگر انجام می‌دهد می‌تواند مورد حمایت واقع شود... (STATE OF MISSOURI v. HOLLAND, 252 U.S. 416 (1920) 252 U.S. 416

حقوق یک دولت در خصوص آب‌های زیرزمینی واقع در بخشی از سفره آب زیرزمینی فرامرزی که در داخل سرزمین آن دولت قرار دارد مشابه با حقوقی که آن دولت بر سرزمین خود دارد نیست. آب‌های زیرزمینی مشترک به آرامی حرکت می‌کنند و در این خصوص بیشتر مشابه پرندگان مهاجر یا رود جاری هستند تا ساختار زمین‌شناختی تشکیل‌دهنده یک سفره آب زیرزمینی. به همین دلیل دولت‌ها به شایستگی شناسایی کرده‌اند که حقوق‌شان در رابطه با منابع آب شیرین مشترک با مفهوم حاکمیت توصیف نشود (McCaffrey, 2007: 85).

در مقابل، دولت‌ها پذیرفته‌اند که هر یک در رابطه با منابع مشترک حقوق و تعهداتی دارند و تعیین سهم هر دولت از آن منبع مبتنی بر اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول است (McCaffrey, 2007: 384-405). علاوه بر این، ایده حاکمیت دولت‌ها بر بخشی از سفره آب زیرزمینی که در سرزمین آنها واقع شده با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل آب، از جمله بهره‌برداری منصفانه و معقول و عدم ورود زیان عمده که وضوحاً از مفهوم محدودتر حقوق حاکمه بر منابع آب شیرین فرامرزی حمایت می‌کند، مغایرت دارد (McCaffrey, 2011: 566-572).

کنوانسیون ملل متحد و پیش‌نویس راجع به حقوق آبراه‌های بین‌المللی که توسط یک نهاد تخصصی و حرفه‌ای تدوین شده این مفهوم را که یک دولت بر قسمتی از منابع آب شیرین مشترک که در سرزمین آن واقع شده حاکمیت دارد رد می‌کند، زیرا به زعم او در رویه دولت‌ها این امر بیهوده و بی‌اساس می‌باشد (McCaffrey, 2009: 287).

مطابق نظرات این مراجع از جمله کمیسیون حقوق بین‌الملل دکنترین حاکمیت بر منابع آب شیرین مشترک به صورتی مشابه با قلمرو سرزمینی اعمال نمی‌گردد (ILC Report, 1994: 89). سردرگمی در خصوص اعمال حاکمیت بر آب‌های زیرزمینی مشترک می‌تواند به دلیل تعریف ارائه شده راجع به واژه «سفره آب زیرزمینی» و هم‌چنین ارتباطی که گزارشگر ویژه میان رژیم حقوقی حاکم بر سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی و هیدروکربن‌های مشترک ترسیم نموده پدید آید (ILC Report, 2006:193). گزارشگر ویژه رابطه نزدیکی را بین رژیم‌های حقوقی حاکم بر آب‌های زیرزمینی فرامرزی از یک سو و منابع هیدروکربن مشترک از سوی دیگر برقرار نموده، مفهوم بدیعی که اعتبار آن به دلیل توسعه کاملاً مجزای این دو رژیم بسیار مورد شک و تردید است (McCaffrey, 2009: 288).

گزارشگر پیشین کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص منابع آب شیرین مشترک به هیچ وجه به رژیم‌های حقوقی حاکم بر نفت و گاز طبیعی مشترک استناد ننمود (ILC Report, 1994: 89). در قضیه Gabčíkovo – Nagymaros Project که هم به آب‌های سطحی و هم به آب‌های زیرزمینی مربوط می‌شود، هرگز مجارستان و اسلواکی به دکنترین حاکمیت بر بخشی از منابع مشترک که در سرزمین آنها واقع شده بود استناد نکردند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود هیچ تردیدی به خود راه نداد که یک چنین مفهومی به آبراه‌های بین‌المللی اعمال نمی‌شود (ICJ, 1997: Paras. 40, 43, 56, 74, 127).

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی نیز در ۱۹۲۹ در رابطه با کشتیرانی در رودخانه لُر چنین اظهارنظر داشت: «اشتراک منافع در یک رودخانه قابل کشتیرانی مبنای حق قانونی مشترک می‌باشد، ویژگی‌های اساسی که تساوی کامل همه دولت‌های ساحلی در استفاده از کل مسیر رودخانه و نفی هرگونه امتیاز ترجیحی هر یک از دولت‌های ساحلی را در رابطه با دیگران بدنبال دارد» (PCIJ, 1929: 27).

توسعه نوین حقوق بین‌الملل، اصل اشتراک منافع را برای استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی، که با اتخاذ کنوانسیون ۲۱ می ۱۹۹۷ راجع به حقوق استفاده‌های

غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی توسط مجمع عمومی ملل متحد مستند شده، تقویت کرده است (ICJ, 1997: Para.85).

بنابراین دیوان بین‌المللی دادگستری در «قضیه ناگیمارس» تأیید کرد که اصل اشتراک منافع به استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی اعمال می‌شود. همانگونه که ملاحظه شد، کنوانسیون واژه «آبراه» را به گونه‌ای تعریف نموده تا هم آب‌های سطحی و هم آب‌های زیرزمینی که با آن مرتبط هستند را شامل شود و دیوان مطمئناً از آن تعریف آگاهی داشته است. مفهوم «حاکمیت» برخشی از منابع آب شیرین مشترک که در سرزمین یک دولت واقع شده با اصل اشتراک منافع بر آن منابع مغایرت دارد. مفهوم حاکمیت بر آب‌های زیرزمینی مشترک احتمالاً نمی‌تواند با «نفی هرگونه امتیاز ترجیحی هر یک از دولت‌های ساحلی در رابطه با دیگران» منطبق باشد. در قضیه ادر، دیوان دائمی بر خلاف ادعای لهستان مبنی بر امتداد رژیم بین‌المللی دو رودخانه فرعی ادر تا سرحد مرز آن کشور را رد نمود. دیوان دائمی تصمیم خود را عمدتاً بر اصل «اشتراک منافع»، که دیوان بین‌المللی دادگستری هم بر استفاده‌های غیرکشتیرانی اعمال نمود، مبتنی کرد. بنابراین دیوان بین‌المللی دادگستری مفهوم حاکمیت دولت بر بخشی از آبراه بین‌المللی (از جمله آب‌های زیرزمینی) که در سرزمین آن واقع شده را رد نمود. علاوه بر این، دولت‌های دیگر مشترک در آن منبع نسبت به آن در کنار دولت سرزمینی دارای منفعت هستند (McCaffrey, 2009: 289).

متأسفانه کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر خود راجع به ماده (۳) روشن نکرده که قصد آن از بیان عبارت حاکمیت یک دولت بر بخشی از سفره آب زیرزمینی که در سرزمین آن واقع شده چیست. اولین جمله تفسیر کمیسیون در خصوص ماده (۳) چنین اظهار می‌دارد: «ضرورت ... حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی واقع در سرزمین‌شان توسط تعداد زیادی از دولت‌ها، مخصوصاً دولت‌های آبخوانی که معتقدند منابع آبی به دولت‌هایی که در سرزمین آنها واقع شده‌اند تعلق دارند و تحت حاکمیت انحصاری آن دولت‌ها هستند، مورد تأیید واقع شده است (ILC, 2008: 38-39).

این ویژگی با در نظر گرفتن نظرات دولت‌های پشتیبان ماده ۳ به‌ویژه عبارت آغازین ماده ۳، هم از نظر جامعیت و هم از نظر اطلاق خارق‌العاده است. عبارت «منابع آبی» محدود نشده این‌گونه دلالت می‌کند که می‌تواند شامل همه اشکال منابع آب شیرین مشترک، نه تنها آب‌های زیرزمینی فرامرزی، گردد. دولت‌های مدافع ماده ۳ بر این نظرند که منابع آبی به

دولت‌هایی که در سرزمین آنها واقع شده‌اند تعلق دارند و «تحت حاکمیت انحصاری آن دولت‌ها هستند» (McCaffrey, 2009: 289). این نظریه دکترین گمنام هارمون^۱ یا حاکمیت مطلق بر آبراه‌های بین‌المللی را منعکس می‌کند.^۲

این دکترین مدت‌ها پیش از این توسط دولت خواستگاه خود (ایالات متحده) بی‌اعتبار اعلام شده است. توضیح آنکه ایالات متحده دکترین هارمون را در اختلاف اخیر خود با کانادا مورد انکار قرار داد و اعلام داشت که این دکترین هرگز با حقوق بین‌الملل انطباق ندارد (Griffin, 1958: 59-63).

در عین حال امکان دارد این پرسش مطرح گردد که آیا واقعاً تعداد زیادی از دولت‌ها ضرورت درج ماده‌ای در خصوص حاکمیت بر سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی را مطرح نموده‌اند. یک معیار تقویت تعهد دولت نسبت به مقررهای از پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل، این است که آیا آن دولت در پاسخ به درخواست کمیسیون نظرات کتبی خود در مورد آن ماده را ارائه نموده است (ILC Report, 2006: 23).^۳ براساس این معیار، به نظر نمی‌رسد علاقه زیادی از سوی دولت‌ها در خصوص ماده (۳) یا در واقع پیش‌نویس سفره‌های آب زیرزمینی در کل وجود داشته باشد. هنگامی که کمیسیون حقوق بین‌الملل پیش‌نویس مواد راجع به سفره‌های آب زیرزمینی را در اولین فزائت خود در ۲۰۰۶ اتخاذ نمود تنها تعداد اندکی از دولت‌ها صریحاً از مفهوم حاکمیت بر سفره‌های آب زیرزمینی حمایت کردند و هیچ دولتی از اصل حاکمیت انحصاری دولت‌ها بر سفره‌های آب زیرزمینی واقع در سرزمینشان حمایت نکرد (McCaffrey, 2009: 290).

مخصوصاً کمیسیون گزارش نمود که تنها هجده دولت نظرات خود را در خصوص پیش‌نویس مواد راجع به سفره‌های آب زیرزمینی در اولین قرائت خود، ارائه کردند که از میان آنها تنها شش دولت (اتریش، برزیل، کوبا، اسرائیل، پرغال و ترکیه) نظراتی در مورد ماده ۳ ارائه نمودند. از میان این شش دولت، سه دولت (اتریش، برزیل و کوبا) در قسمت بالادست رودخانه هستند یک دولت (اسرائیل) در خصوص یکی از چهار سفره آب زیرزمینی مشترک با فلسطین در قسمت بالادست

1. Harmon Doctrine

۲. دکترین هارمون یا حاکمیت مطلق توسط Judson Harmon دادستان کل ایالات متحده در ۱۸۹۵ در اختلاف با مکزیک راجع به رودخانه ریوگرانده مطرح شد. این اختلاف براساس کنوانسیون راجع به توزیع منصفانه آب رودخانه ریوگرانده برای مقاصد آبیاری میان ایالات متحده و مکزیک به تاریخ ۲۱ می ۱۹۰۶ حل و فصل شد (McCaffrey, 2007: 16-110).

۳. این رویه توسط کمیسیون حقوق بین‌المللی در خصوص کلیه پیش‌نویس‌های خود همانگونه که در مواد ۱۶ تا ۲۱ اساسنامه آن مقرر شده مورد متابعت قرار گرفته است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید: UN Doc. A/CN.4/4/Rev.2(1982).

رودخانه قرار دارد، یک دولت (پرتغال) عمدتاً در قسمت پایین دست رودخانه واقع شده و یک دولت (کوبا) نیز اساساً هیچ آبراه بین‌المللی ندارد. از میان این دولت‌ها تنها پرتغال اظهار نمود که می‌بایست همکاری مورد تأکید واقع شود و گونه‌ای از حاکمیت عملی و محدود بر سفره‌های آب زیرزمینی اعمال گردد (McCauffrey, 2009: 22). پنج دولت باقی مانده به درجات متفاوت از ماده ۳ حمایت کردند. اگرچه از میان آنها دو دولت (برزیل و اسرائیل) بر این امر پافشاری کردند که حاکمیت دولت بر سفره‌های آب زیرزمینی باید مطابق حقوق بین‌الملل اعمال شود و بدین منظور این ماده باید اصلاح گردد (McCauffrey, 2009: 22).

حتی اگر تعداد دولت‌های مدافع درج ماده ۳ بیشتر باشد، این امر به تنهایی نباید دلیل قانع‌کننده‌ای برای کمیسیون باشد تا بر خلاف رویه دولت‌ها یک چنین ماده‌ای را در پیش‌نویس راجع به سفره‌های آب زیرزمینی بگنجانند (McCauffrey, 2009: 290). به‌طور معمول کمیسیون در انجام رسالت «توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن» با تأکید بر رویه دولت‌ها کلیه اشکال منابع و ادله حقوق بین‌الملل را در نظر می‌گیرد. با این حال همانگونه که ملاحظه گردید، امکان ندارد هیچ‌گونه رویه دولتی مدافع مفهوم حاکمیت دولت بر بخشی از آب‌های زیرزمینی فرامرزی که در سرزمین آن واقع شده را مورد شناسایی قرار دهیم. کمیسیون باید همانند دکتورین گمنام و بی‌اعتبار هارمون تصدیق کند که نظرات ارائه شده توسط معدودی از دولت‌ها در حمایت از مفهوم حاکمیت بر سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی، رویه دولت‌ها را منعکس نمی‌کند بلکه حمایت از موضعی است که در جهت حمایت از منافع آن دولت‌ها قرار دارد (McCauffrey, 2009: 201).

علاوه بر فقدان حمایت از مفهوم حاکمیت بر آب‌های زیرزمینی مشترک در رویه دولت‌ها، برخی از نویسندگان استدلال می‌کنند سه خطر خاص به شرح ذیل در رابطه با استفاده از مفهوم حاکمیت در این زمینه وجود دارد:

اولاً این مفهوم تمایل تاریخی برخی دولت‌ها نسبت به ادعای حاکمیت مطلق بر قسمتی از آبراه‌های بین‌المللی، حتی آب‌های سطحی فرامرزی، که در سرزمین آنها واقع شده را تقویت خواهد ساخت. همانگونه که اشاره گردید چنین ادعاهایی مدت زمان طولانی است که بی‌اعتبار شده‌اند و وضوحاً با حقوق بین‌الملل عرفی مغایرت دارند. در این رابطه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه Gabcikovo – Nagymaros به «حق بنیادین یک دولت برای تقسیم منصفانه و معقول منابع یک آبراه بین‌المللی اشاره کرد (ICJ, 1997: Para.78). در واقع پیش‌نویس سفره‌های آب زیرزمینی بهره‌برداری منصفانه و معقول را بعنوان یک اصل کلی در نظر می‌گیرد (ILC Report, 2008: 21).

مفهوم نامعین و در عین حال مؤثر حاکمیت امری است که با اصل «تقسیم منصفانه و معقول» انطباق ندارد. تقسیم آب‌های شیرین فرامرزی و حاکمیت بر آنها حتی به صورت متقابل امری منحصر به فرد به نظر می‌رسد. تصریح ماده ۲ مبنی بر اینکه یک دولت بر بخشی از سفره آب زیرزمینی فرامرزی که در سرزمین آن واقع شده حاکمیت دارد بحث طولانی مدت طرفداران تئوری «حاکمیت سرزمینی مطلق» و طرفداران تئوری «تمامیت سرزمینی مطلق» را مجدداً مطرح می‌کند و دولت‌ها را تشویق می‌کند تا ادعاهایی را مطرح کنند که تنها باعث ایجاد اختلاف میان دولت‌ها خواهد شد (McCaffry, 2009: 291).

ثانیاً، مفهوم حاکمیت می‌تواند به یک دولت چنین القاء نماید که آن دولت صلاح‌دید مطلق در رابطه با آب‌های قرارگرفته در سفره آب زیرزمینی دارد، در حالی که هم از نظر حقوقی و هم از نظر عملی این گونه نیست. جمله دوم ماده (۳) برای تعدیل این نظریه تصریح می‌کند که یک دولت «باید حاکمیت خود را مطابق با حقوق بین‌الملل و پیش‌نویس مواد حاضر اعمال نماید». اساساً دولت‌هایی که شرایط پیش‌نویس مواد را مورد پذیرش قرار می‌دهند از قسمتی از حاکمیت خود چشم‌پوشی می‌نمایند. به گونه‌ای که آن دولت‌ها حق عمل کردن برخلاف مقررات و تعهدات مندرج در پیش‌نویس مواد را از خود سلب می‌نمایند (Eckstein, 2011: 581). این امر به خاطر آن است که اصول مندرج در پیش‌نویس - از قبیل بهره‌برداری منصفانه و معقول، عدم ورود زیان عمده، تبادل داده‌ها، نظارت و دیگر اصول - مسلماً محدودیت‌ها و تعهداتی را بر آنچه که دولت‌های آبخوان می‌توانند در رابطه با بهره‌برداری از یک سفره آب زیرزمینی انجام دهند، ایجاد می‌کنند (Eckstein, 2007: 537-610).

با این حال اثرات نامطلوب مفهوم حاکمیت بر سفره‌های آب زیرزمینی در همان جمله اول ایجاد شده زیرا آن جمله وضوحاً چنین القاء می‌کند که مفهوم حاکمیت یک اصل راهنماست که دیگر مواد پیش‌نویس نیز می‌بایست بر مبنای آن تفسیر شوند (McCaffry, 2009: 291).

در عین حال این امر اگرچه از نظر برخی از نویسندگان نارضایتبخش می‌باشد (McCaffry, 2011: 566-572). دیگران اظهار می‌دارند که جمله دوم ماده (۳) در واقع مصالحه اجتناب‌ناپذیری میان دولت‌های طرفدار حفظ حاکمیت بر منابع یافت‌شده در سرزمین‌شان و دولت‌هایی است که مدافع نگرش جمعی تر نسبت به منابع فرامرزی هستند (Yamada, 2011: 565-575).

ثالثاً این مفهوم که دولت‌ها بر بخش‌هایی از منابع آب شیرین مشترک که در سرزمین آنها واقع شده حاکمیت دارند، این مسئله دیرینه را مطرح خواهد کرد که چگونه حاکمان دو یا چند

دولت تقسیم کننده آب‌های سطحی یا آب‌های زیرزمینی با یکدیگر به توافق خواهند رسید. به موجب این ماده همه دولت‌های سهم در یک منبع آب زیرزمینی معین بر بخشی از آن که در سرزمین آنها واقع شده حاکمیت دارند. اگر وضعیتی را در نظر بگیریم که آب از یک سفره آب زیرزمینی واقع در دولت «الف» به دولت «ب» جریان دارد، دولت «الف» می‌تواند ادعا کند که آن دولت برای استفاده از آب اختیار دارد آب را در زمانی که در سرزمین آن واقع است ذخیره کند، زیرا آن دولت دارای حاکمیت بر آن آب است، اما دولت «ب» که پیش از دولت الف از آب زیرزمینی مشترک استفاده می‌کرده متقابلاً می‌تواند ادعا کند که آن دولت دارای حق حاکمیت نسبت به دریافت آبی است که در سفره آب زیرزمینی مشترک با دولت الف قرار دارد و با این اقدام دولت «الف»، حق حاکمیت آن دولت (دولت ب) توسط دولت «الف» نقض شده است. این ادعاها به‌طور نسبی می‌توانند از طریق تئوری‌های «حاکمیت سرزمینی مطلق» و «تمامیت سرزمینی مطلق» که در حال حاضر با توسعه حقوق بین‌المللی عرفی آبراه‌های بین‌المللی از رونق افتاده‌اند، مورد حمایت واقع شوند. سازش‌ناپذیری این نظریات، به دلیل آنکه هر دوی آنها مبتنی بر حاکمیت هستند، منجر به توسعه دکترین بهره‌برداری منصفانه گردید که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه Gabčíkovo – Nagymoros صریحاً بدان اشاره کرده است (ICJ, 1997: 54). تقسیم آب‌های شیرین به صورت منصفانه و معقول با ادعای حاکمیت بر آن منابع عملی نخواهد شد (Mccaffry, 2009: 292).

۶. نتیجه

پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حقوق سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی به صورت بالقوه‌ای می‌تواند مشارکت مهمی در تدوین و توسعه تدریجی حقوق در این زمینه داشته باشد و مساعدت مفیدی را به دولت‌ها در خصوص آب‌های زیرزمینی مشترک ارائه نماید. این مجموعه مواد نکات پیچیده‌ای را در خصوص ماهیت آب‌های زیرزمینی و سفره‌های آب زیرزمینی ارائه می‌کند که در نظام حقوقی (خواه داخلی یا بین‌المللی) نادر هستند. هرچند پیش‌نویس کمیسیون راجع به حقوق سفره‌های آب زیرزمینی در بسیاری از موارد با کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد راجع به آبراه‌های بین‌المللی منطبق است، با این حال مسائل جدیدی را مطرح نموده که در کنوانسیون ۱۹۹۷ به آنها پرداخته نشده است. از جمله این مسائل که کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد به آنها نپرداخته مسائل مربوط به آب‌های شیرین مشترک است. اصل کلی

حاکمیت دولت‌های آبخوان مندرج در ماده ۳ پیش‌نویس موضوعی است که سبب تشدید اختلافات میان دولت‌ها در خصوص بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی مشترک خواهد گردید. این موضوعی است که می‌بایست از سوی مجمع عمومی ملل متحد در تعیین سرنوشت این پیش‌نویس مدنظر قرار گیرد. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز به مجمع عمومی توصیه می‌کند که در خصوص پیش‌نویس مواد راجع به حقوق سفره‌های آب زیرزمینی روش محتاطانه‌ای را در پیش گیرد.

با توجه به ماهیت سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی پیشنهاد می‌گردد رژیم حاکم بر بهره‌برداری و مدیریت این منابع بیشتر مبتنی بر همکاری و اشتراک منافع دولت‌ها باشد تا حق حاکمیت آنها. علاوه بر این از آنجایی که پیش‌نویس مواد راجع به سفره‌های آب زیرزمینی در برخی از موارد با کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد هم پوشانی دارد، ضرورت تعیین قلمرو دقیق هر یک از آنها ضروری به نظر می‌رسد.



Books

- McCaffrey, S., (2007), *The Law of International Watercourses*, 2nd. New York: Oxford University Press.

Articles

- Eckstein G., (2011), "Managing Buried Treasure Across Frontiers: the International Law of Transboundary Aquifers", *Water International*, Vol.36, No.5.

- Eckstein, G., (2011), "Buried Treasure or Buried Hope? The Status of Mexico-U.S. Transboundary Aquifers under International Law", *International Community Law Review*, 13(3).

- Eckstein, G., (2007), "Commentary on the UN International Law Commission's Draft Articles on the Law of Transboundary Aquifers", *Colorado Journal of International Environmental Law & Policy*. 18(3).

- Hardin.Garrett, (1968), "The Tragedy of the Commons", 162 *SCIENCE* 1243.

- J.Vick, Margaret, (2008), "International Water Law and Sovereignty: A Discussion of the ILC Draft Articles on the Law of Transboundary Aquifers", 21 *DAC. McGregor, Global Bus & Dev. L. J.* 191.

- McCaffrey, S. (1995), "The International Law Commission Adopts Draft Articles on International Watercourses", 89 *AJIL*.

- McCaffrey, S. (2011), "The International Law Commission's flawed Draft Articles on the Law of Transboundary Aquifers: the way forward", *Water International*, 36(5).

- McCaffrey, S., (2009), "The International Law Commission Adopts Draft Articles on Transboundary Aquifers", *AJIL*, Vol, 103: 272.

- *Missouri v. (1920), Holland*, 252 U.S. 416.

- Robert D. Hayton & Albert E. Utton, (1989), "Transboundary Groundwaters: The Bellagio Draft Treaty", 29 *NAT. RES. J.* 663.

- Thomas C. Winter Et Al, (1998), "Ground Water and Surface Water: A Single Resource At Iii", (U.S. Geological Survey Circular 1139).

- William L.Griffin, (1958), "Legal Aspects of the Use of Systems of International Waters", S. Doc. No. 85-118.

- Yamada, C., (2011), "Codification of the Law of Transboundary Aquifers (Groundwaters) by the United Nations", *Water International*, 36(5).

Documents

- Berlin Rules on International Water Resources, 71 *ILA, CONFERENCE REPORT* 336 (2004).

- Comments and Observations by Governments on the Draft Articles on the Law of Transboundary Aquifers, UN Doc.A/CN.4/595 (Mar.26, 2008).

- Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses May 21,1997,36 *ILM* 700 (1997).

- Convention on the Sustainable Development of Lake Tanganyika. (2003).

- Draft Articles on the Law of Transboundary Aquifers, with commentaries, 2008, A/63/10. Yearbook of the International Law Commission, 2008, vol.II.part two.
- Gabcikovo, Nagymaros Project (Hung/Slovk) 1997 ICJ REP.7
- Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers, 52 ILA, CONFERENCE REPORT 484(1966).
- ILC Statute, UN Doc. A/CN.4/4/Rev. 2 (1982).
- Protocol on Water and Health to the 1992 ECE Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes (1999).
- Report of the International Law Commission on the Work of Its Fifty-eighth Session, UN GAOR, 61st Sess, supp. No.10, UN Doc. A/61/10(2006).
- Report of the International Law Commission on the Work of Its Fifty-ninth Session, UN GAOR, 62d Sess., Supp. No.10, UN Doc. A/62/10(2007).
- Report of the International Law Commission on the work of its Fortysixth Session. [1994] 2 Y.B. Int'l L. Comm'n, pt.2, UN Doc. A/49/10(1994).
- Report of the International Law Commission on the Work of It's Sixtieth Session, UN GAOR, 62d Sess, supp. No.10, UN Doc. A/63/10(2008).
- Report of the Sixth Committee Convening as the Working Group of the Whole at Its Second Session, UN Doc. A/51/869 (Apr.11. 1997).
- Resolution on Confined Transboundary Groundwater .1994.
- Rio Declaration on Environment and Development, June 14, 1992, 31 ILM 874,879 (1992).
- Soul Rules on International Groundwaters, in 62 ILA, CONFERENCE REPORT 251(1986)
- Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder, 1929 PCIJ (ser.A) No.23
- United Nations Environment Programme, Vital Water Graphics (2002).